

توضیح کوتاه پیرامون کاربرد واژه «افغانستان»

=====

(چگونگی تغییر نام یک ولایت به نام یک کشور)

در مباحث علمی، وقتی در باره «افغانستان» صحبت می شود، باید متوجه بود که منظور کدام افغانستان است؟ چون از نگاه تاریخی - جغرافیایی، بسیاری از «واژه» ها معنا و مفهوم مشخصی در زمان و مکان معین داشته و با تغییر زمان و مکان، ممکن است معنا و مفهوم آنها تغییر کند. از این نگاه، واژه «افغانستان» دو معنای کاملاً متفاوت تاریخی - جغرافیایی دارد: یک، افغانستان به حیث (نام) یک ولایت در کوههای سلیمان (در پاکستان امروزی)؛ دو، افغانستان به حیث (نام) یک کشور در جغرافیای سیاسی جهان (درست مانند کاربرد واژه «پارس» به حیث (نام) یک امپراتوری (ایران کهن) و یا به حیث (نام) یک استان/ولایت در جنوب ایران امروزی).

۱. افغانستان به حیث نام یک ولایت در کوههای سلیمان:

واژه افغانستان که حدود ۷۰۰ سال پیش به حیث نام یک ولایت واقع در کوههای سلیمان (در پاکستان امروزی) در تاریخنامه هرات سیفی هروی در ۱۳۲۱ م ذکر شده و در منابع دیگر (مانند تزوک تیمور ۱۴۰۴، زبدت التواریخ ۱۴۲۶، مطلع سعدین ۱۴۷۱، روضات الجنات ۱۴۹۱، روضت الصفا ۱۴۹۸، بابر نامه ۱۵۳۰، منتخب التواریخ ۱۵۹۶، اکبرنامه ۱۶۰۲، تاریخ فرشته ۱۶۱۵، توزک جهانگیری ۱۶۲۷، ذیل عالم آرای عباسی ۱۶۴۲، شرح مخزن الاسلام ۱۶۷۱، تاریخ رحمت خانی ۱۷۶۷ و غیره) تا سده ۱۹ به همین مفهوم «مناطق بودوباش افغان ها در کوههای سلیمان» تکرار شده است (۱ - ۴).

۲. افغانستان به حیث نام یک کشور در جغرافیای سیاسی جهان:

واژه افغانستان که امروز به حیث نام یک کشور در جغرافیای سیاسی جهان شناخته می شود، همان «منطقه یا دولت حایل» است که حدود اربعه آن توسط «برتانیه و روسیه» (در زمان عبدالرحمن، ۱۸۸۰ - ۱۹۰۱) تعیین و مرزبندی گردیده و استقلال آن توسط «امان الله» (۱۹۱۹) از برتانیه گرفته شده است (۵).

قابل ذکر است که اصطلاح یا مفهومی بنام «خطوط مرزی»، یعنی علامه گذاری بر روی زمین یا نقشه ها برای شناسایی کشور ها در سده ۱۹ در اروپا بوجود آمد. اما پیش از آن، مفهوم «سرحد» وجود داشت، یعنی نوار نسبتاً پهناور یا موانع طبیعی مانند کوهها، دریا ها، دشت ها و غیره که مناطق، ولایات، سرزمین ها یا دولت ها را از هم جدا می کرد (نقشه های ۱ - ۵ دیده شود).



نقشه ۱. واژه های اغوان و پتان در نقشه قدیمی ۱۶۵۲ (امپراتوری مغول)



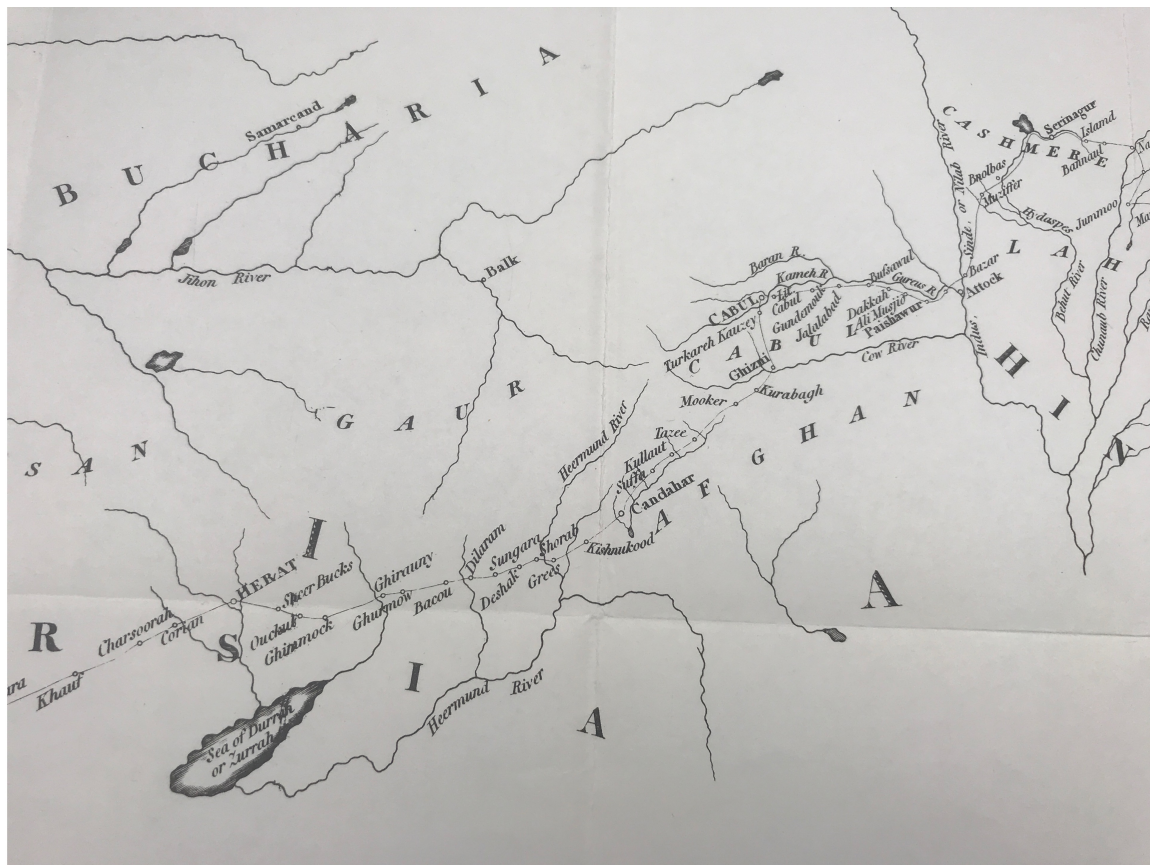
نقشه ۲. واژه اغوانستان (کوههای سلیمان) در نقشه قدیمی ۱۷۵۱ (آسیا)

+++

آنچه در اینجا مغشوش است، پروسه تغییر نام از یک ولایت به یک کشور است که چه وقت و چگونه صورت گرفته است (چون تاریخ سازان درباری مانند غبار، حبیبی و کهزاد برای آن تاریخ پنج هزار ساله ساخته اند)! تعدادی ذکر نام افغانستان در بعضی معاهدات را مبدای این تغییر نام (از **خراسان** به افغانستان) می دانند؛ در حالیکه این پروسه در جریان «بازی بزرگ» در سده ۱۹ و ایجاد «منطقه حایل» ادامه داشته؛ اما پس از اعلان استقلال توسط امان الله پایان یافته و افغانستان (بدون نظرخواهی) نام «کشور» شده است:

جورج فاستر یکی از کارمندان کمپنی هند برتانوی (که با منابع تاریخی، نقش قبایل افغان در منطقه و کاربرد واژه های افغان و افغانستان در نقشه های قدیمی شناسایی کامل داشتند (نقشه های ۱ و ۲ دیده شود)) در زمان سلطنت تیمورشاه در ۱۷۸۳ از مسیر پشاور - کابل - قندهار - هرات عبور نموده و سفرنامه خود را در ۱۷۹۸ در لندن به نشر می رساند (نقشه ۳ دیده شود). قرار معلوم، او نخستین فردی است که واژه «افغانستان» را

در ادبیات انگلیسی معرفی می کند. او بدون اینکه حدود افغانستان را توضیح دهد، کابل را پایتخت امپراتوری افغان و بلخ را پایتخت تاتار های ازبک می گوید (۱ - ۳).



نقشه ۳. نقشه فاستر، مسیر کشمیر - پشاور - کابل - کندهار - هرات (۱۷۹۸)

کمپنی هند برتانوی با ترس از اتحاد فرانسه - پارس و حمله به هند، هیئتی را در ۱۸۰۸ تحت ریاست **الفنستون** به پشاور می فرستد. الفنستون در ۱۸۰۹ معاهده ای با شاه شجاع بنام «شاه کابل» امضا نموده و نتایج مطالعات و تحقیقات ۹ ماهه خود را در اثر مشهوری بنام «گزارش سلطنت کابل» در ۱۸۱۵ در لندن نشر می کند (این کتاب او تا هنوز یکی از عمده ترین منابع «افغانستان شناسی» در دنیای غرب محسوب می شود)!

الفنستون در این اثر می گوید: «افغانان نام عمومی برای کشور شان ندارند، ولی گاهی نام افغانستان را به کار می برند... نامی که توسط ساکنان بر تمام منطقه اطلاق می شود، **خراسان** است... اما کاربرد این نام درست نیست... لذا من این نام {افغانستان} را برای

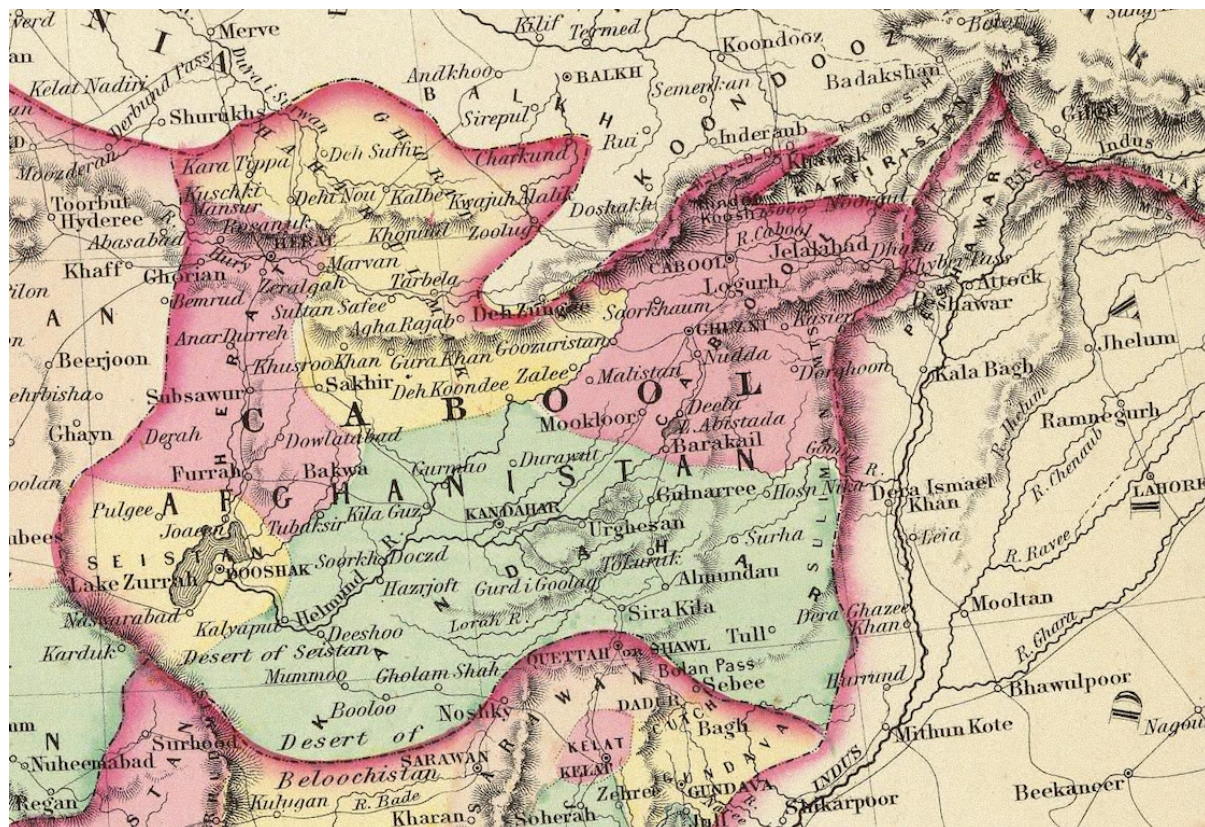
قلمروی به کار خواهم برد که حدود آن را شرح دادم». او مناطق «جنوب هندوکش» تا رود سند و کوههای سلیمان و سیوستان را **حدود افغانستان** یا قلمرو افغانان می نامد که مربوط «سلطنت کابل» است (نقشه ۴ دیده شود) (۱ - ۴).



نقشه ۴. افغانستان در جنوب هندوکش در نقشه «سلطنت کابل» الفنتون (۱۸۱۵)

با تشدید «بازی بزرگ» و پیشروی برتانیه (تهاجم ۱۸۳۹) و روسیه، واژه «افغانستان» به مفهوم جدیدی که الفنتون گفته بود («جنوب هندوکش»)، وارد ترمینولوژی سیاسی برتانیه و روسیه گردیده و در ادبیات سیاسی تمام نویسندگان اروپایی/خارجی ها به همین مفهوم تکرار می شود (گاهی شامل کابل و قندهار بوده و گاهی پشاور یا هرات به آن افزوده شده: مورکرافت ۱۸۲۴، ویلسن ۱۸۴۱، برنس ۱۸۴۳، میسن ۱۸۴۴، راورتی ۱۸۵۴، علیقلی میرزا ۱۸۵۶، بیلو ۱۸۵۷؛ فیریر ۱۸۵۸، انگلز ۱۸۵۸، حیات افغانی ۱۸۶۵ و غیره)؛ چون شمال هندوکش در اوایل بنام «ترکستان» و بعد ها بنام «ترکستان

افغانی» نامیده می شود. در نقشه های این دوران، واژه افغانستان در جنوب هندوکش در «سلطنت کابل» قرار دارد (نقشه ۵ دیده شود) (۱ - ۳).



نقشه ۵. افغانستان در جنوب هندوکش، کشور «کابل» (۱۸۵۵)

اما در منابع داخلی/فارسی که در رابطه نزدیک یا زیر نظر شاهان و امیران این سرزمین یا ولایت ها (کابل، قندهار، هرات یا پشاور) نوشته شده، تا زمان عبدالرحمن، هیچ یک، امیر یا شاه افغانستان گفته نشده؛ بلکه (مانند سامانیان، غزنویان، تیموریان و غیره) همه به نام شاه یا امیر **خراسان**/ایران نامیده شده اند (تاریخ احمد شاهی ۱۷۷۳، تاریخ حسین شاهی ۱۷۹۸، وقایع شاه شجاع ۱۸۳۵، تاریخ احمد ۱۸۵۰، نوای معارک ۱۸۵۵، گلشن امارت ۱۸۷۰ و غیره). چنانچه محمود غلجی، خود را «شاه ایران» می خواند (۴):

دولت سلطان حسین نابود شد + شاه ایران عاقبت محمود شد

در تاریخ احمد شاهی ۱۷۷۳ که زیر نظر احمد شاه نوشته شده، واژه افغانستان وجود ندارد. بیت زیر در بنای شهر قندهار توسط احمد خان ابدالی (۱۷۴۷ - ۱۷۷۲) درج است:

جمال ملک **خراسان** شد این تازه بنا + ز حادثات زمانش خدا نگه دارد

در تاج گذاری تیمورشاه در کابل (۱۷۷۲ - ۱۷۹۳)، چنین گفته می شود:

کابل امروز به آئین کیان جشن گرفت + که نهد تاج به سر شاه **خراسان** امروز

در تاریخ حسین شاهی ۱۷۹۸ که به فرمان زمان شاه نوشته شده، نیز واژه افغانستان دیده نمی شود. **واقعات شاه شجاع** ۱۸۳۵ توسط خود او نوشته می شود، «تا مورخان **خراسان** و تاریخ جویان آن اوطان را بواقعی حاصل شود» (۷).

عطا محمد شکارپوری که معاصر امیر دوست محمد است و رابطه نزدیک با او دارد، در **نوای معارک** ۱۸۵۵ خود می نگارد (۸): «امیر دوست محمد در ۱۲۵۸ / ۱۸۴۲... رونق افزای جلال آباد گردیده... بعده مستعد کابل گردید... روز دوم شمع مجلس آرایبی روشن ساخته، تمامی سرداران کابل را با احضار داده، از روی کشاد پیشانی به سرداران کابل مخاطب گردید که: الحال ما را به حکومت و ریاست **خراسان** هیچ مداخلت نیست، هر نحوی که صلاح و مرضی تمام سرداران اقتضا نماید، عین مدعاست و هر که را حاکم خود مقرر نمایند، اختیار دارند... سرداران کابل... از جان و دل، امیر بی نظیر را به حکومت و ریاست **خراسان** اختیار نموده، زمام نظم و نسق جمیع مهام بدست امیر بی نظیر وا گذاشتند... امیر بی نظیر بر جلوس سریر ریاست **خراسان** جلوه استقرار گرفته...».

بیت زیر در مُهر محمد افضل (۱۸۶۶) پدر امیر عبدالرحمن درج است:

دو فوج مشرق و مغرب ز هم مفصل شد + امیر ملک **خراسان** محمد افضل شد

نورمحمد نوری که معاصر امیرشیرعلی است و رابطه مستقیم با او دارد، در **گلشن امارت** ۱۸۷۰ خود می نگارد (۹): «در آن زمانی که خاقان مغفرت پناه امیر بی نظیر علیین مکان امیر دوست محمد خان در ولایت **خراسان** در دارالسلطنت کابل ارم تقابل نزهتگه روحانیان و مردمک دیده **خراسان** لکه غره ناصیه شخص جهان است، بر اورنگ امارت و جهانبانی نشسته...؛ در ذکر ارتحال اعظم خان:

یارب بحق شاه **خراسان** امیر آن + فغفر له بفضلک یا منشق القبور

در مورد به قدرت رسیدن دوباره امیر شیرعلی: امروز الحمد لله تعالی خلیق ربع مسکون و بر اهل **خراسان** خصوصا شکر های بسیار واجب است:

بر جهان شکر های بسیار است + که جهان را چنین جهاندار است

که مالک الملک بیچون و چرا و صانع مصنوعه کن فیکون مفاتیح ممالک **خراسان** جنت نشان بر وفق آیه... خاقان فریدون نشان امیر المومنین امیر شیرعلی خان...».

اما پس از تهاجم ۱۸۷۹ انگلیس و نصب «عبدالرحمن» در کابل و به ویژه پس از ایجاد «منطقه یا دولت حایل» توسط برتانیه و روسیه و پیروزی «امیر آهنین» در کافرستان، هزارستان و ترکستان، او به حیث «شاه افغانستان و ملحقات آن» شناخته می شود. پس از او، امیر حبیب الله در سراج التواریخ خودش (۱۹۱۳) بنام «پادشاه افغانستان و ترکستان» خوانده می شود. فاشیزم افغانی در این دوران توسط محمود طرزی (با نشر مقاله «زبان افغانی اجداد زبان ها و قوم افغان اجداد اقوام آریایی است» در سراج الاخبار (۱۹۱۳))، وارد دربار شده و زبان افغانی در ۱۹۱۵ شامل نصاب تعلیمی مدرسه حبیبیه می شود (۱ - ۵). از اینجاست که پس از اعلان استقلال توسط امان الله (۱۹۱۹)، واژه ترکستان حذف شده، واژه «افغانستان» (بدون نظرخواهی) نام عمومی کشور شده و با اسکان ناقلین افغان در شمال هندوکش، نخستین گام های عملی در جهت «افغان سازی» کشور برداشته می شود!

نتیجه گیری

به این ترتیب، می توان الفنستون را پدر تغییر نام افغانستان از مفهوم ۵۰۰ ساله پیشین آن («محل بودوباش افغانان در کوههای سلیمان» در ۱۳۲۱)، به مفهوم جدید آن («قلمرو افغانان در جنوب هندوکش» در ۱۸۱۵) دانست. برتانیه و روسیه پدر جغرافیای کنونی افغانستان یا همان «منطقه یا دولت حایل» است که حدود آن را در زمان عبدالرحمن

(۱۸۸۰ - ۱۹۰۱) تعیین می کنند. اما پس از حصول استقلال توسط امان الله (۱۹۱۹) (و نقش فکری محمود طرزی) است که واژه «افغانستان» (بدون نظر خواهی) نام عمومی کشور گردیده و «افغان سازی» آغاز می شود. لذا می توان امان الله را پدر استقلال و معرفی نام افغانستان به حیث یک کشور در جغرافیای سیاسی جهان دانست!

اما آن روزی دور نخواهد بود که مردم ما دو باره به اصل فرهنگ و تمدن خراسانی خویش برگردند. زیرا، به قول مولانای بزرگ:

هر کسی که دور ماند از اصل خویش + باز جوید روزگاری، وصل خویش

سرچشمه ها

۱. لعل زاد. کنفرانس «چگونگی ایجاد کشوری بنام افغانستان». لندن، نومبر ۲۰۰۸

<http://www.khorasanzameen.net/archive/history/alalzar04.pdf>

<https://www.youtube.com/watch?v=kMSyeEYCMws>

۲. لعل زاد. افغانستان در منابع تاریخی. نومبر ۲۰۱۱

<http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzar05.pdf>

۳. لعل زاد. سیر تاریخی واژه های افغان و افغانستان در نقشه ها... لندن، جون ۲۰۱۶

<http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzar17.pdf>

۴. لعل زاد. زمینه های ایجاد کشور افغانستان. پرگار بی بی سی. لندن، فبروری ۲۰۱۹

<https://www.youtube.com/watch?v=RGhnySbn3X0&fbclid=IwAR0tXyXoS6nEfe8tzn>

<http://www.facebook.com/notes/pargar-bbc-persian-tv/%D8%B2%D9%85%DB%8C%D9%86%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87%DB%8C-%D8%A7%D8%B2-%>

<http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad23.pdf>

۵. لعل زاد. شکل گیری مرز ها و ایجاد کشور افغانستان. لندن. اکتوبر ۲۰۱۶

<http://www.khorasanzameen.net/php/pdf/alalzad23.pdf>

۶. صالح محمد (مؤلف و معلم افغانی مدرسه حبیبیه). کتاب اول افغانی. کابل. ۱۹۱۷

۷. شاه شجاع. واقعات شاه شجاع. کابل. انتشارات میوند. چاپ سوم. ۱۳۸۲

۸. شکارپوری، منشی عطا محمد. نوای معارک (تصحیح و تحشیه و تعلیق عبدالحی حبیبی افغانی). کراچی. ۱۹۵۹

۹. نوری، نورمحمد. گلشن امارت. کابل. انجمن تاریخ افغانستان. سنبله ۱۳۳۵